

افشار کا بل

وحشتناک ترین حادثہ در جنگ های داخلی افغانستان، در منطقه ی (افشار) واقع در غرب کابل روی داده است.؟! صدہا نفر از سکنہ های (ہزار) قتل عام شدند. (جالبہ بدونین توسط نیروہای حکومتی بودہ است.)
شرح حادثہ

ساعت ۱ نیمہ شب تاریخ ۱۱ بہمن ۱۳۷۱ زمانی کہ ہمہ در خواب بودند این منطقہ از ۳ طرف مورد حملہ قرار گرفت. از غرب توسط (نیروی اتحاد اسلامی سیاف) از شمال و جنوب (توسط نیروہای دولتی) کل منطقہ را مورد حملہ قرار دادند.

♦ اگر لحظہ ای خودمون را اونجا تصور کنیم وحشت و ترس گریبان گیرمون میشہ.

این ہجوم تا ۲۴ ساعت بعد ادامہ داشتہ است. تنہا فقط کشتن و قتل مطرح نیست رویداد هایی است کہ نمیشود بہ راحتی از آن گذشت.

♦ متاسفانہ در جنگ ہا و ہجوم ہا اولین نشانہ سمت (زنان) ہست زنان بی گناہ و باحیای افغانستانی آنشب مورد تجاوز وحشیانہ ی نیروہای حکومتی میشوند و بطرز بقتل میرسند.

زنان مظلومان تاریخ اند.

خانہ ہا را بہ آتش کشیدند.

دختران و پسران جوان را اسیر کردند.

طبق روال طبیعی این خبر در سراسر جہان منعکس میشود.

برآورد کردہ بودند حدود ۷۰۰ نفر کشتہ شدند.

حالا واکنش دغدغہ مندان حقوق بشر چی بود؟! فقط و فقط محکوم کردند. دست سازمان ملل درد نکنہ از شام شون معلوم ہست ناہار شون چیہ؟!

نکتہ های دردناک این حادثہ

♦ پیدا شدن گورہای دستہ جمعی ۵۸ نفرہ

افشار بہ یک گورستان تبدیل شد.

♦ انزجار آورہ کہ قتل و تجاوز را بنام (جہاد) میزنند ، از این اسم در حال حاضر بیشترین سوء استفادہ میشود از جہاد نکاح گرفتہ تا ہدف شون چیزی جزء از بین بردن تقدس این نام نیست.

انسان های بی گناہ زیر سائورہا و تیغ های تیز تکہ تکہ شدند اما صدایی از کسی درنیامد.

♦ دردناک ہست بدونید: سینہ های زنان و سرہای جوانان را زندہ زندہ

بریدند

یادم رفت بیان کنم به کودکان هم تجاوز کردند.

♦ وزیر دفاع دولت در آن دوره (احمد شاه مسعود) بود شایان ذکر است وی تمام مسوولیت برنامه ریزی و دستور دهی عملیات های نظامی را داشته است.

آخرین نکته:

عاملان این رفتار غیر انسانی هرگز نه دستگیر شدند و نه محاکمه ای کم درد و دل: « صدای فریاد و جیغ های زنان بی دفاع از افشار همچنان به گوش میرسد، لعنت به کسانی که به زنان بی دفاع وحشیانه تعرض میکنند و بیماری های جنسی خود را در نام اسلام و جهاد کاور میکنند . زنان زیبایی خلقتند و پاک دامنی شان مظهر عرش الهی است. لحظه ای همزادپنداری از این رفتار کثیف تنم را میلرزاند و بی اختیار هوای چشمانم بشدت طوفانی میشود».

درود بر غیور مردان سرزمینم که همچون شیر مراقب نوامیسان هستند از خود میگذرند تا من.....ما....در آسایش و امنیت باشم.

والسلام

پرستو مروجی